

واکاوی فقهی مشروعیت زیارت قبور توسط زنان با تأکید بر مبانی قرآن و سنت

سید محمد موسوی مقدم*

استادیار پردیس فارابی دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۹۵/۶/۲۱؛ تاریخ پذیرش: ۹۵/۹/۳۰)

چکیده

زیارت برگرفته از سنت نبوی و اصحاب و یاران پیامبر(ص) است. بنا بر دیدگاه علما و فقهای بزرگ فریقین اسلام با توجه به سیره رسول(ص) و روایات فراوانی که از ایشان وارد شده است، زنان و مردان در زیارت قبور عزیزان خود و اولیای الهی، حکم یکسان دارند؛ زیرا احکام اسلام درباره زن و مرد یکسان است، مگر جایی که دلیلی بر اختصاص وجود داشته باشد. درباره جواز و عدم جواز زیارت قبور در قرآن (که از منابع مورد اتفاق همه مسلمانان است) به‌طور صریح حکمی دیده نمی‌شود، اما به آیاتی بر جواز زیارت توسط زنان به‌صورت عموم استناد شده است. گزارش‌هایی از زیارت زنان در زمان پیامبر(ص) و بعد از ایشان وجود دارد که از ادله جواز این عمل محسوب می‌شود؛ از جمله آن نحوه انجام دادن این عمل منسوب به عایشه همسر پیامبر(ص) است. نمونه دیگر آن زیارت کردن قبر حضرت حمزه و دیگر شهدای احد توسط حضرت زهرا (س) خواهد بود. هدف از نوشتن این مقاله بیان و بررسی مبانی فقهی قرآنی و روایی زیارت قبور توسط زنان از دیدگاه فقهای اسلام است که نه تنها جایز، بلکه بعضی آن را مستحب می‌دانند. نوآوری این مسئله تحلیل دقیق دیدگاه مذاهب اربعه در این زمینه است که تصویر دقیق و روشنی از مسئله را پیش روی افراد قرار می‌دهد و اذهان را از تردید و شبهه پاک می‌کند.

واژگان کلیدی

جواز زیارت، زیارت، زیارت زنان، علمای فریقین، قبور، مبانی فقهی.

مقدمه

تأکید، ترغیب و تشویق به زیارت ائمه اطهار(ع) و صلحا و بزرگان دین، برای ایجاد ارتباط و پیوند معنوی با آنان و زنده ماندن دین و عقیده، از طریق زیارت است. مسلمانان در دیدار با امام تجدید پیمان و وفاداری خود را به راه آن حضرت اعلام می‌کنند؛ لذا همواره قبور مطهر آنان پایگاه و مأمن عاشقان و شیفتگان و مکتب انسان‌سازی ره‌یافتگان طریق معرفت است. در باب زیارت قبور توسط زنان در میان اهل سنت آرای مختلفی دیده می‌شود. قریب به اتفاق علمای اهل سنت با گرایش‌های گوناگونی که دارند، زیارت اهل قبور برای زنان را جایز دانسته‌اند و برخی استحباب آن را بیان کرده‌اند. در این مقاله اقوال و مستندات جواز از منابع آنان بیان شده است.

در فقه اهل سنت روایاتی از صحیح بخاری و صحیح مسلم وجود دارد که نشان می‌دهد در زمان رسول خدا(ص) زنان به زیارت قبور می‌رفتند. همچنین در منابع روایی امامیه و اهل سنت آمده است که پیامبر(ص) به عایشه نحوه زیارت قبور را تعلیم داد و شخص عایشه پس از پیامبر(ص) به زیارت قبور می‌رفت. بررسی سندی و دلالتی ادله مذاهب و بیان دلیل حق از ضرورت‌های بررسی این پژوهش محسوب می‌شود. واکاوی اقوال، نظریه و ادله فقهی تطبیقی مذاهب با توجه به مبانی قرآن و سنت به صورت تطبیقی و دقیق از مسائل جدید در این موضوع است. اما مشروعیت زیارت قبور زنان برای زیارت کردن قبور از دیدگاه مذاهب چیست؟

با تفحص در منابع شیعه و اهل سنت، قریب به اتفاق تمام مذاهب اسلامی، رفتن مردان برای زیارت اهل قبور را مستحب دانسته‌اند و به زنان رخصت داده‌اند و اگر بعضی از مذاهب اسلامی به کراهت تنزیه فتوا داده‌اند، این کراهت برای خصوص زیارت زنان نیست، بلکه کراهت آن به دلیل احتمال مفاسدی است که امکان دارد بر بیرون رفتن زنان از خانه مترتب شود.

اطلاقات آیات قرآن

از توصیه‌های فقهای بزرگ زیارت کردن قبر پیامبر(ص) توسط مردان و زنان در صورت امکان در هر جمعه یا ماهی یا سالی یک بار یا حداقل در مدت عمر یک بار است (ابن‌ادریس، بی‌تا، ج ۱: ۶۵۴). پیرو جواز زیارت مرقد پیامبر(ص) زیارت دیگر مرقدها نیز مجاز است.

آیه اول: «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاؤُكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا؛ ما هیچ پیامبری را نفرستادیم مگر برای اینکه به فرمان خدا از وی اطاعت شود و اگر این مخالفان، هنگامی که به خود ستم می‌کردند، به نزد تو می‌آمدند و از خدا طلب آمرزش می‌کردند و پیامبر(ص) هم برای آنها استغفار می‌کرد، خدا را توبه‌پذیر و مهربان می‌یافتند» (نساء: ۶۴).

تقریب به آیه: برخی از مفسران، مراد از ظالمان را در این آیه، منافقان (به دلیل نفاقشان) دانسته‌اند (مغنیه، بی‌تا، ج ۱: ۲۳۳). بعضی دیگر مصداق آیه را مسلمانی می‌دانند که برای رفع تنازعش با یک یهودی، به داوران جور مراجعه کرده بود (سیوطی، ۱۹۹۳، ج ۲: ۱۸۰). گروه دیگری نیز مصداق ظالمان را منافقانی می‌دانند که تحاکم به طاغوت کردند (داورپناه، ۱۳۶۶، ج ۸: ۴۳۶). شأن نزول‌های دیگری نیز مطرح شده است (طبرسی، بی‌تا، ج ۳: ۱۰۵). اما با این حال می‌توان آیه را برای همه گناهکاران دانست که توبه‌پذیری خداوند را به آنها گوشزد و اعلام می‌کند که راه بازگشت باز است و می‌رساند که افراد خطاکار باید نخست توبه کنند و از راه خطا برگردند و سپس برای قبول توبه خود از استغفار پیامبر(ص) نیز بهره ببرند (مکارم، ۱۳۷۹، ج ۳: ۴۵۱). چنانکه ابن‌مسعود این آیه را به‌علت عفو و توبه‌پذیری خداوند، یکی از محبوب‌ترین آیات نزد خود دانسته است (سیوطی، ۱۹۹۳، ج ۲: ۱۷۰).

نقد و بررسی تقریب: این آیه به زیارت پیامبر(ص) در حیات و ممات تشویق می‌کند؛ چنانکه علمای اسلام از این آیه عمومیت حکم در حیات و وفات پیامبر(ص) را استفاده کرده‌اند (هیثمی، ۱۴۱۲: ۲۰۴). روایت دیگری نیز وارد شده است که وقتی پیامبر(ص)

درگذشت، ابوبکر در منزل چهره او را باز کرد و بوسید و گفت: «... از ما پیش پروردگار خود یاد کن و به خاطر داشته باش» (الامین، بی تا: ۲۶۵).

همان‌طور که بیان شد خداوند در آیه‌ای از قرآن کریم به گناهکاران دستور می‌دهد که به حضور پیامبر (ص) بروند و ضمن اینکه خودشان استغفار می‌کنند، پیامبر (ص) هم از جانب آنها از خداوند طلب آمرزش کند (نساء: ۶۴). حیات و ممات پیامبر (ص) تفاوتی ندارد و آن حضرت پس از مرگ هم اعمال امت خود را زیر نظر دارد. این واقعیت در حدیث صحیحی آمده است (هیثمی، ۱۴۱۲، ج ۹: ۲۴).

با توجه به مضمون این روایات، همان‌گونه که وجود مبارک پیامبر (ص) در حال حیات مایه خیر و برکت بود، در حال ممات نیز همان حالت را دارد و آن حضرت پس از مرگ هم ناظر اعمال امت خود است و همان‌گونه که در حال حیات برای گناهکاران استغفار می‌کرد، در حال ممات هم استغفار خواهد کرد و فرقی میان حیات و ممات او وجود ندارد. بنابراین، با توجه به این آیات و روایات و سنت جاری در میان مسلمانان در تمام اعصار، زیارت کردن قبر رسول (ص) به صورت مسئله‌ای بدیهی درمی‌آید که هرگز نباید درباره آن کوچک‌ترین شک و تردیدی به خود راه داد. رفتن به زیارت قبر پیامبر (ص) و درخواست استغفار از آن حضرت، درست مثل این است که در حال حیات به محضر او می‌رسیدیم و تقاضای استغفار می‌کردیم و آیاتی که رفتن به سوی پیامبر (ص) را کار پسندیده‌ای معرفی می‌کند، شامل زیارت قبر ایشان هم می‌شود.

شیعیان، مضمون این آیه را درباره ائمه معصومین (ع) نیز بیان می‌کنند؛ زیرا آنان همگی نور واحدند. (جوادی آملی، ۱۳۹۳، ج ۱۹: ۳۵۹) و همان احترامی که درباره قبر پیامبر اکرم (ص) لازم است، برای قبور آن بزرگواران نیز جاری خواهد بود؛ چنانکه در حیاتشان لازم بود (علامه مجلسی، بی تا، ج ۹۷: ۱۲۵) حیات و ممات پیامبر اکرم (ص) و امامان معصوم (ع) برای توسل به آنان و شفاعت ایشان، یکسان است (جوادی آملی، ۱۳۹۳، ج ۱۹: ۳۷۹) پس زیارت قبر آنان نیز برای استغفار و درخواست از ایشان برای استغفار از جانب زائر مرد و زن، جایز است؛ زیرا آیه اطلاق دارد.

آیه دوم: «ذَلِكَ وَمَنْ يُعْظِمُ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ؛ بگو اطاعت خدا و رسول را بکنید، پس اگر اعراض کردید، پس خدا کافرین را دوست نمی‌دارد» (آل عمران: ۳۲).

تقریب به آیه: خداوند در قرآن شعائر ذکر شده (بقره: ۱۵۸) و «شعائر» جمع «شعیره» به معنای علامت است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۴۵۶). مقصود از «شعائر» در قرآن، نشانه‌های وجود خدا نیست؛ زیرا همه عالم، نشانه وجود اوست و کسی نگفته تعظیم آنچه در عالم هستی هست، نشانه تقواست، بلکه مقصود، نشانه‌های دین اوست؛ لذا مفسران آیه را به «معالم دین الله» یعنی نشانه‌های دین خدا تفسیر می‌کنند (سبحانی، ۱۳۸۸: ۴۳). به مکان‌های مقدسی مانند عرفات نیز «مشاعر» گفته می‌شود؛ چون شعائر الهی در آن ظهور می‌یابد (جوادی آملی، ۱۳۹۳، ج ۸: ۲۳).

در قرآن، صفا و مروه (بقره: ۱۵۸) و شتری که برای ذبح در منی سوق داده می‌شود (حج: ۳۶) به این دلیل از شعائر الهی شمرده شده‌اند که نشانه‌های دین حنیف و آیین ابراهیم (ع) هستند. به «مزدلفه»، مشعر می‌گویند چون نشانه دین الهی بوده، وقوف در آن، نشانه عمل به دین و طاعت الهی است. مجموع مناسک «حج» را به این دلیل «شعائر» می‌نامند که این اعمال، نشانه‌های دین توحید و حنیف است؛ بنابراین هر چیزی که شعار و نشانه دین الهی باشد، بزرگداشت آن مایه تقرب به درگاه الهی است (سبحانی، ۱۳۸۸: ۴۴).

نقد و بررسی تقریب: بزرگداشت و تعظیم شعائر الهی، نشانه برخورداری تعظیم‌کننده از تقوای قلب است. تعظیم شعائر که از تقوای قلب نشأت می‌گیرد، فضیلتی دینی محسوب می‌شود و به شعائر حج اختصاص ندارد. هرچند قسمت مهم آن درباره حج و عمره وارد شده است، با این حال هر چه به نام خدا و نشان اوست، از شعائر الهی محسوب می‌شود و همه عبادات و مراکز عبادی، مانند مساجد و مشاهد انبیا و اولیای معصوم (ع) چنین است (جوادی آملی، ۱۳۹۳، ج ۸: ۳۸).

بی‌تردید انبیا و اولیای الهی از بزرگ‌ترین و بارزترین نشانه‌های دین الهی هستند. هیچ انسان باانصافی نمی‌تواند منکر این مطلب شود که وجود پیامبر (ص) و ائمه اطهار (ع) از دلایل اسلام و نشانه‌های این آیین مقدس هستند (سبحانی، ۱۳۸۸: ۴۴). وقتی می‌بینیم که

یک شتر به دلیل تعیین شدن برای ذبح در کنار خانه خدا، جزو «شعائر» می‌شود و به تناسب خود، تعظیم و بزرگداشت لازم دارد؛ بنابراین، پیامبران، امامان و اولیا که بندگان حقیقی خداوندند و مردم را به پرستش و اطاعت از او دعوت کرده‌اند، جزو «شعائر الله» نباشد؟ چرا به تناسب مقام و موقعیت خود در حال حیات و ممات، تعظیم و احترام لازم را نداشته باشند؟ کعبه و صفا و مروه و ... به علت ارتباط با آیین خدا جزو شعائرند و هرکدام به تناسب موقعیت خود، تعظیم و بزرگداشتی لازم دارند؛ پس چرا اولیای الهی که ناشران آیین خدا و حافظان دین اویند، جزو شعائر نباشند؟ (سبحانی، ۱۳۸۸: ۴۵ - ۴۶). یکی از طرق بزرگداشت این بزرگان، زیارت قبور آنان است. زائر به واسطه زیارت، قصد تعظیم شعائر الهی را می‌کند و تعظیم شعائر الهی، به تعظیم خدا و خضوع در مقابل او برمی‌گردد. معنا ندارد که خداوند محبت به چیزی و تعظیم آن را واجب کند و در عین حال، آثار آن مثل زیارت را تحریم کند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۰: ۲۹۶).

برخی از فقهای معاصر نیز تعظیم شعائر را از ادله زیارت قبور برمی‌شمردند و زیارت قبور مؤمنان، صالحان و اولاد اهل بیت (ع) را جزو تعظیم شعائر محسوب می‌کنند (گلبایگانی، ۱۴۱۷، ج ۱: ۵۵۷).

آیه سوم: «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قَتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ؛ و کسانی را که در راه خدا کشته شده‌اند، مرده مپندارید، بلکه زنده‌اند و نزد پروردگارشان روزی می‌خورند» (آل عمران: ۱۶۹).

تقریب به آیه: با توجه به آیه فوق، حقیقت زیارت، حضور زائر نزد مزور به قصد تعظیم است و این امر در حال حیات مزور قطعاً مشروع خواهد بود.

آیه چهارم: «وَلَا تُصَلِّ عَلَى أَحَدٍ مِنْهُمْ مَاتَ أَبَدًا وَلَا تَقُمْ عَلَى قَبْرِهِ إِنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَأَمَاتُوا وَهُمْ فَاسِقُونَ؛ و هرگز بر هیچ‌یک از آنان که مرده است، نماز مگذار و در کنار قبر او نایست، به درستی که آنها به خدا و رسولش کفر می‌ورزیده‌اند و با حالت فسق از دنیا رفته‌اند» (توبه: ۸۴).

تقریب به آیه: فاضل مقداد (فاضل مقداد، ۱۴۱۹، ج ۱: ۱۸۱) و سید امیر ابوالفتح

حسینی جرجانی (حسینی جرجانی، ۱۴۰۴، ج ۱: ۲۳۹) از اولین عالمان شیعی هستند که از این آیه برای مشروعیت زیارت قبر استفاده کرده‌اند. در بین اهل سنت، ابن تیمیه تنها زیارت بعدالدفن همراه با دعا و استغفار را مشروع دانسته و به این آیه تمسک کرده است (بن‌باز، بی تا، ج ۲۴: ۳۳۰؛ سبکی، ۱۴۱۹: ۱۸۱ - ۱۸۳).

نقد و بررسی تقریب: مفهوم این آیه که می‌فرماید: درباره منافق این دو کار را انجام نده، درباره غیرمنافق این است که این دو کار، خوب و شایسته است (سبحانی، ۱۳۸۸: ۱۰۷ - ۱۰۸). از تفاسیر دیگر برمی‌آید که این عمل برای مؤمنان، جایز، بلکه سیره مسلمانان و عمل رسول خدا(ص) بر آن بوده است؛ زیرا اگر در مورد مؤمنان هیچ سابقه‌ای نداشت و پیامبر(ص) بر سر قبور مؤمنان و مسلمانان حاضر نمی‌شد، این نهی، معنا و مفهوم درست و صحیحی پیدا نمی‌کرد. از اینکه در مورد منافقان می‌فرماید: «بر قبر آنان نایست» استفاده می‌شود که در مورد غیرمنافق، این عمل شایسته است (طاهری خرم‌آبادی، ۱۳۹۲: ۲۰۴).

برخی از مفسران، آیه را ناظر به موقع دفن دانسته‌اند؛ ولی برخی دیگر آن را تعمیم داده‌اند و با اطلاق‌گیری، آیه را چنین تفسیر می‌کنند: «و لا تقم علی قبره للدفن أو للزيارة» (مظهری، ۱۴۱۲، ج ۴: ۲۷۶؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۵: ۳۴۲؛ مکارم، ۱۳۷۹، ج ۸: ۷۲؛ طریحی، ۱۳۷۵، ج ۶: ۱۴۳).

آیه پنجم: «إِذْ يَتَنَزَّعُونَ بَيْنَهُمْ أَمْرُهُمْ فَقَالُوا ابْنُوا عَلَيْهِمْ بُيُوتًا رَبُّهُمْ أَعْلَمُ بِهِمْ قَالَ الَّذِينَ غَلَبُوا عَلَىٰ أَمْرِهِمْ لِنَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِمْ مَسْجِدًا؛ در آن هنگام که میان خود درباره کار خویش نزاع داشتند، گروهی می‌گفتند: بنایی بر آنان بسازید [تا برای همیشه از نظر پنهان شوند؛ و از آنها سخن نگوئید که] پروردگارشان از وضع آنها آگاه‌تر است، ولی آنها که از رازشان آگاهی یافتند [و آن را دلیلی بر رستاخیز دیدند] گفتند: ما مسجدی در کنار [مدفن] آنها می‌سازیم [تا خاطره آنان فراموش نشود]» (کهف: ۲۱).

تقریب به آیه: این آیه، در مورد اصحاب کهف و نزاع مردم در کیفیت تعظیم آنان نازل شده است.

برخی معتقدند از اینکه برخی پیشنهاد ساختن مسجد داده‌اند، کشف می‌شود که آنان

مسلمان و موحد بوده‌اند. لذا واضح است که پیشنهاد مسجد به این دلیل است که به‌طور مدام بر آن وارد شوند تا مرقد اصحاب کهف، مزار مردم شود (رضوانی، ۱۳۹: ۱۲۳). بنابراین معلوم می‌شود بعد از فوت اصحاب کهف، مردم به زیارت آن قبور می‌آمدند و به همین دلیل بنا و مسجدی ساختند و خداوند بعد از این داستان از چنین عملی نهی نفرموده است.

در تمامی این آیات مانند سیاق بیشتر آیاتی که خداوند زنان و مردان را با هم مورد خطاب قرار داده، جواز زیارت قبور برای زنان و مردان، یکسان وارد شده است و چه بسا که اگر فقط شامل مردان بود، به آن اشاره می‌شد.

ب) گزارشی از سیره پیامبر(ص) در برخورد با زیارت رفتن زنان

گزارش شده است که حضرت فاطمه زهرا(س) دختر پیامبر(ص) قبر عمویش حمزه سیدالشهداء را هر روز جمعه زیارت می‌کرد، سپس نماز می‌خواند و بر سر مزارش گریه می‌کرد. علمای اهل تسنن (حاکم نيسابوری، ۱۴۱۱، ج ۱: ۳۷۷؛ شرنبلانی، بی‌تا، ج ۲: ۱۹) و بزرگان شیعه (بحرانی، ۱۴۱۳، ج ۱۱: ۲۶۸؛ مرعشی نجفی، ۱۴۰۶، ج ۳: ۳۰۸) برای جواز زیارت رفتن زنان به این حدیث استدلال کرده‌اند.

در گزارش دیگری پیامبر(ص) چگونگی زیارت کردن را به همسرش عایشه تعلیم داده است. این گزارش دلالت آشکار بر جواز زیارت قبور توسط زنان دارد. عایشه از پیامبر(ص) سؤال می‌کند که هنگامی که وارد بقیع شد، چه بگوید؟ حضرت فرمودند: بگو درود بر اهل دیار مؤمنان و مسلمانان و خداوند رحمت کند گذشتگان و آنان که پس از ما می‌آیند و ما به شما ملحق خواهیم شد (قشیری نيسابوری، بی‌تا، ج ۲: ۷۱).

در روایتی از اهل تسنن آمده است که عایشه به زیارت قبر برادرش عبدالرحمن بن ابی‌بکر می‌رفت (قشیری نيسابوری، بی‌تا، ج ۱: ۳۷۶؛ بیهقی، بی‌تا، ج ۴: ۷۸). در حقیقت، اعتراف به این روایت از طرف اندیشمندان و فقهای اهل سنت، دلیل بر جواز زیارت قبور توسط زنان است. در این حدیث عایشه بر سر قبر برادرش عبدالرحمن (که بیرون مکه به خاک سپرده شده بود) می‌رفت (صنعانی، ۱۴۰۳، ج ۳: ۵۷۰). سپس عایشه از پیامبر(ص) روایت می‌کند که آن حضرت خانم‌ها را به زیارت قبور امر فرمود، بعد از آنکه در گذشته

نهی کرده بود (رک: سرخسی، بی تا، ج ۲۴: ۱۰؛ بیهقی، بی تا، ج ۴: ۷۸).

سید سابق در کتاب «فقه السنه» می گوید: مالک بن انس و بعضی از حنفی ها و به نقلی احمد بن حنبل و بیشتر علما، زیارت قبور توسط زنان را جایز دانسته اند؛ چون عایشه به پیامبر (ص) گفته است در زیارت قبور چه بگویم؟! (سید سابق، بی تا، ج ۱: ۵۶۶).

در زمینه جواز زیارت قبور در مورد عمل ام سلمه نیز وارد شده است که ام سلمه همسر گرامی رسول خدا (ص) در هر ماه یک روز به زیارت شهدای اُحد می رفت و بر آنها سلام می داد و تمام روز را آنجا می ماند. روزی همراه غلام خود (نهران) به آنجا رفت و نهران بر قبور شهدا سلام نداد. ام سلمه گفت: «ای بدبخت، به ایشان سلام نمی دهی؟ به خدا سوگند، تا روز قیامت، هر کس به ایشان سلام کند، پاسخ او را می دهند». ابوهریره هم بسیار به زیارت ایشان می رفت (واقدی، بی تا، ج ۱: ۳۱۳ - ۳۱۴).

زنان دیگری هم بودند که به زیارت قبور می رفتند و پیامبر (ص) آنها را می دید و به تقوا و صبر دعوت می کرد (شریبینی، ۱۹۵۸، ج ۱: ۳۶۵).

در این گزارش ها پیامبر (ص) زنان را از زیارت کردن قبور مسلمانان نهی نفرمود و امر به خارج شدن آنها از قبرستان نداد؛ پس از این روایات جواز زیارت قبور توسط زنان فهمیده می شود. از میان فقها، شربینی (شریبینی، ۱۹۵۸، ج ۱: ۳۶۵)، دمیاطی (دمیاطی، ۱۴۱۸، ج ۲: ۱۶۲) و عینی (عینی، بی تا، ج ۸: ۶۸) این عمل عایشه را به عنوان دلیل بر عدم تحریم زیارت قبور توسط بانوان تلقی کرده اند و حدیث مذکور مورد اتفاق همگان است و اگر زیارت حرام بود، باید پیامبر (ص) از آن نهی می کرد، در حالی که چنین نفرموده است.

بر اساس سیره رسول الله (ص) همه مسلمانان، اعم از زن و مرد، در زمان حیات حضرت به زیارت قبور می رفتند (قشیری نیسابوری، بی تا، ج ۳: ۶۵).

اطلاق اقوال و دیدگاه فقهای مذاهب اسلامی

اقوال دیدگاه ناظر به جواز

بیشتر فقهای مذهب جعفری قائل به جواز زیارت قبور توسط زنان هستند (اردبیلی، ۱۴۰۳، ج ۲: ۴۸۸؛ میرزای قمی، ۱۳۷۸، ج ۳: ۵۶۲).

برخی از فقهای حنفی برای زیارت رفتن زنان بدون توجه به استحباب یا کراهت، رخصت قائلند (ابن‌نجیم، بی‌تا، ج ۱: ۳۴۲) و برخی دیگر نیز قائل به جواز زیارت زنان هستند (سرخسی، ۱۴۲۱، ج ۲۴: ۱۰؛ منلا خسرو، بی‌تا، ج ۲: ۲۸۶؛ طحاوی، ۱۳۱۸، ج ۱: ۴۱۱).

در مذهب شافعی، بیشتر علما بدون اینکه تفصیلی بین زن و مرد بدهند، زیارت قبور را جایز می‌دانند. (ماوردی، ۱۴۲۰، ج ۱: ۳۱۷؛ غزالی، ۱۴۱۹، ج ۲: ۲۴۷؛ رافعی، بی‌تا، ج ۵: ۲۴۶؛ نووی، بی‌تا، ج ۵: ۳۱۱؛ همو، ۱۴۰۵، ج ۱: ۶۵۶؛ عسقلانی، ۱۴۱۹، ج ۵: ۲۴۹؛ شربینی، ۱۹۵۸، ج ۱: ۳۶۵).

برخی از فقهای بزرگ مذهب حنبلی، زیارت رفتن را برای غیر از زیارت پیامبر(ص) جایز می‌دانند. (ابن‌قدامة، بی‌تا، ج ۲: ۴۳۱). سرخسی مجوز زیارت قبور را رخصتی می‌داند که در حق همه مردان و زنان، ثابت و یکسان است (سرخسی، بی‌تا، ج ۲۴: ۱۰). تعداد دیگری از فقها زیارت قبور توسط زنان را جایز می‌دانند (الحاکم النیسابوری، ۱۴۲۶: ۳۷۷؛ ناصف، بی‌تا، ج ۱: ۴۱۸؛ شوکانی، ۱۴۱۹، ج ۴: ۱۶۶).

ابوداود در سنن خود دو حدیث درباره زیارت قبور نقل کرده است که هر دو حدیث به آن امر کرده‌اند و امر، بر وجوب دلالت دارد (ابوداود سجستانی، ۱۴۱۸، ج ۲: ۷۲). بنابراین، زیارت قبور نزد او یا واجب بوده یا مستحب، به‌ویژه که هیچ روایتی برخلاف آن نقل نکرده است.

بخاری نیز عنوان باب زیارة القبور را در کتاب خود قرار داد. ظاهر کلام او این است که در این مسئله، توقف کرده و فتوا نداده است (بخاری، ۱۴۲۴، ج ۲: ۵۴۸). بنابراین، حرمت یا جواز زیارت قبور را نمی‌توان به او نسبت داد، گرچه با نظر به اینکه فقط احادیث جواز را نقل کرده است، می‌توان این امر را قرینه‌ای بر تمایل او به جواز زیارت قبور دانست.

مسلم نیز فقط احادیث جواز زیارت قبور را نقل کرده است. نووی پس از نقل حدیثی که بر جواز زیارت قبور دلالت دارد، می‌گوید: «این حدیث در روایت ابوالعلاء بن ماهان مغربی و نیز آخر کتاب الجنائز بسیاری از کتب فقهی موجود است» (القشیری النیسابوری،

۱۴۲۰، ج ۷: ۴۵).

عسقلانی نیز جواز زیارت قبور را پذیرفته و پس از شرح حدیث گفته است که میان زائر مرد و زن فرقی نیست (ابن حجر عسقلانی، بی تا، ج ۳: ۱۱۵؛ الشیخ النظام، ۱۴۱۱، ج ۵: ۳۵۰؛ شافعی، ۱۴۱۰، ج ۱: ۲۷۸؛ کاشانی، ۱۴۰۶، ج ۱: ۲۲۰). این عدم تمایز در تبیین حکم در عبارات آنان، ظهور در قبول اصل جواز زیارت قبور برای بانوان دارد، چه اینکه اگر مختص مردان بود، هر آینه متذکر می شدند.

نقد و بررسی ادله جواز

۱. دلیل عقلی

برخی در زیارت قبور توسط زنان به دلیل عقلی تمسک جسته اند و رجحان زیارت اموات، نزد جمیع عقلا را انکارناپذیر دانسته اند (سبزواری، ۱۴۱۳، ج ۴: ۲۱۰). یکی از راه های بزرگداشت مقربان درگاه الهی که از دنیا رفته اند، زیارت قبور آنان است (طاهری خرم آبادی، ۱۴۲۹: ۲۱۹). عقل به بزرگداشت هر کسی که به خدا نزدیک است حکم می کند؛ خواه زنده باشد و خواه مُرده.

روح انسان مثل آینه ای است که می تواند نقش صُور ملکوتی یا صورت های ملکی دنیایی را به خود بگیرد. وقتی شخص زائر به زیارت می رود، روحش در برابر روح شخص مزور قرار می گیرد، همانند دو آینه ای که مقابل یکدیگرند و علوم و معارفی که در روح شخص مزور است، در روح زیارت کننده نقش می بندد (شهرزوری، ۱۳۵۶: ۱۹۰) بنابراین، وقتی کسی قائل به بقای روح پس از مرگ باشد و قبول داشته باشد که میت با زیارت رفتنش انبساط روحی پیدا می کند، پس زیارت رفتن توسط مردان و زنان یک نوع احسان به میت است و نیکویی احسان از احکام عقلیه اولیه محسوب می شود.

۲. روایات

روایت اول: «إِنِّي كُنْتُ نَهَيْتُكُمْ عَنْ زِيَارَةِ الْقُبُورِ إِلَّا فَرُورُوهَا فَإِنَّهَا تُذَكِّرُكُمْ الْآخِرَةَ؛ قبور را زیارت کنید؛ زیرا زیارت قبور موجب زهد در دنیا و یادآوری آخرت می شود» (قشیری نيسابوری، ۱۴۱۱، ج ۱: ۳۷۵).

روایات دیگری نیز به همین مضمون بیان شده‌اند (قشیری نيسابوری، ۱۴۱۱، ج ۱: ۳۷۵-۳۷۶).
تقریب به روایت: کاشانی از فقهای مشهور اهل تسنن علت جواز زیارت قبور را با توجه به روایت فوق چنین بیان می‌کند: زیارت قبور و دعا برای مردگان مؤمن، بدون پنهان کردن روی قبر اشکالی ندارد، به دلیل سخن پیامبر (ص) که فرمود: من شما را در گذشته از زیارت قبور نهی می‌کردم، اکنون آنها را زیارت کنید؛ چون که شما را به آخرت یادآور می‌شوند و نیز به دلیل سیره عملی امت اسلام از زمان رسول خدا (ص) تا به امروز (کاشانی، بی تا، ج ۱: ۳۲۰).

برخی از علما به عموم تعلیلی که در روایات آمده است، استدلال کرده‌اند و به جواز زیارت اهل قبور برای زن‌ها معتقدند؛ زیرا یادآوری مرگ، چیزی است که مردها و زن‌ها به آن نیاز دارند و به مردها اختصاص ندارد (سید سابق، بی تا، ج ۱: ۵۶۸).

روایت دوم: «إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) زَارَ قَبْرَ أُمِّهِ وَأَبِيكَ مِنْ حَوْلِهِ، ثُمَّ قَالَ: اسْتَأْذَنْتُ رَبِّي أَنْ أُزِيرَ قَبْرَهَا فَأُذِنَ لِي؛ رَسُولُ خَدَا (ص) قَبْرَ مَادَرَشَ رَا زِيَارَتَ كَرَدَه وَ دَر آنجا گریست و دیگران را نیز گریانید و فرمود از خداوند قبر او را زیارت کنم و اجازه داد» (قشیری نيسابوری، بی تا، ج ۱: ۳۷۶).

تقریب به روایت: سیره و امر پیامبر (ص) مبین این است که افاده عموم می‌کند و زن و مرد را شامل می‌شود که نه بر کراهت دلالت می‌کند و نه بر حرمت زیارت قبور توسط زنان؛ در غیر این صورت، پیامبر (ص) به عنوان استثنا بیان می‌شود؛ بنابراین نهی در صدر اسلام وجود داشته، سپس مباح شده است.

روایات زیادی درباره زیارت کردن قبور مؤمنان بقیع توسط پیامبر (ص) به صورت مکرر نقل شده است (تمیمی، ۱۴۰۴، ج ۸: ۶۹).

روایت سوم: «من زار قبری وجبت له شفاعتی؛ هر کس قبر مرا زیارت کند، شفاعتش بر من لازم خواهد شد» (تمیمی، ۱۴۰۴، ج ۸: ۶۹).

تقریب به روایت: علامه امینی حدیث «من زار قبری وجبت له شفاعتی» را از شانزده تن از محدثان و حفاظ اهل سنت نقل کرده و همچنین آورده است که چهل و یک نفر از

بزرگان این روایت را نقل کرده‌اند. وی افزون بر این دو روایت، بیست روایت دیگر نیز در این زمینه از منابع اهل سنت نقل کرده است (امینی، ۱۴۰۶، ج ۵: ۹۷).

احادیث فراوانی از پیامبر خدا(ص) درباره تعظیم و بزرگداشت قبر مطهر آن حضرت وارد شده است که همه راویان آنها توسط رجالیون اهل سنت توثیق شده‌اند؛ از این‌رو، با احادیث معتبر روشن می‌شود که زیارت قبور سفارش پیامبر(ص) بوده است. در بیشتر منابع اهل سنت می‌خوانیم که پیامبر خدا(ص) فرمودند: «من زار قبری و جبت له شفاعتی؛ هر کس قبر مرا زیارت کند، شفاعتش بر من لازم خواهد شد» (شوکانی، ۱۴۱۹، ج ۵: ۱۷۹). روایات بسیار دیگری از پیامبر(ص) در همین زمینه وارد شده است (غزالی، ۱۴۱۹، ج ۱: ۸۱؛ قسطلانی، بی‌تا، ج ۲: ۳۳۲؛ مجلسی، بی‌تا، ج ۱۰۰: ۱۳۹؛ حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۴: ۳۳۲).

اقوال دیدگاه ناظر به استحباب

در مذهب جعفری بسیاری از فقها قائل به استحباب زیارت قبور توسط زنان هستند (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۴: ۳۲۱؛ طباطبایی، ۱۴۱۹، ج ۲: ۱۲۵؛ امام خمینی، ۱۳۸۰: ۲۲۷؛ خویی، بی‌تا، ج ۹: ۳۲۵). در مذهب حنفی، زیارت قبر پیامبر(ص) برای زنان مستحب است، ولی با شروط آن، آن‌گونه که برخی از علما به آن تصریح کرده‌اند (ابن عابدین، ۱۴۱۳، ج ۲: ۲۶۳؛ شرنبلانی، بی‌تا، ج ۱: ۹۸).

برخی زیارت زنان و مردان را مشروط به اینکه تجدید حزن و تبریج در گریه نداشته باشد، مستحب می‌دانند (طهماز، ۱۴۱۹، ج ۱: ۳۴۸)

از علمای مذهب شافعی، سبکی (سبکی، ۱۴۱۹: ۱۸۴ و ۱۹۲) و قسطلانی (قسطلانی، ۱۴۲۵، ج ۳: ۴۰۵) زیارت زنان را مستحب دانسته‌اند.

در مذهب ظاهری، ابن حزم زیارت قبور را مستحب و بلکه یک بار را واجب می‌داند؛ وی می‌گوید: زن و مرد در این حکم، مساوی هستند و پس از نقل چند حدیث صحیح درباره زیارت قبور می‌گوید: تنها عمر از آن نهی کرده است که حدیثش صحیح نیست (سیوطی، ۱۹۹۳، ج ۳: ۳۸۸). البانی هم برای زنان مانند مردان قائل به استحباب است (الالبانی، ۱۴۰۶: ۱۸۰)

یکی از علمای الازهر گفته است که نزد جمهور اهل سنت، امر به استحباب زیارت قبور از سوی ابن حزم، امر به وجوب شده است، ولو یک مرتبه در طول عمر. وی در جای دیگری زیارت قبور توسط زنان را جایز می‌داند، به شرط آنکه صبر داشته باشند، جزع نکنند، همانند عصر جاهلیت بیرون نیایند و اینکه همراه آنان همسرشان یا محرمی باشد تا از فتنه جلوگیری شود (رضوانی، بی‌تا: ۱۵۳).

از فقهای مذهب جعفری، برخی بدون تفصیل بین زائر مرد و زن، به استحباب حکم کرده‌اند و عدم تمایز در عبارات آنان، در پذیرش استحباب زیارت قبور برای بانوان ظهور دارد (یحیی بن سعید، ۱۴۰۵: ۱۲۳؛ علامه حلی، بی‌تا، ج ۲: ۲۹۲). از مذهب مالکی، خرسی (خرشی، ۱۳۱۸، ج ۱: ۴۲۲) از مذهب حنبلی، ابن قدامه (ابن قدامه، بی‌تا، ج ۳: ۵۹۹) و از مذهب شافعی، ماوردی (ماوردی، ۱۴۱۴، ج ۳: ۷۰) از این دسته‌اند.

ابن قدامه، از فقهای بزرگ حنبلی پس از ذکر لزوم احترام اموات مسلمانان و اینکه میت حتی صدای پای مردم را می‌شنود، گفته است که هیچ اختلافی بین اهل علم در مباح بودن زیارت قبور برای مردها نیست و از احمد بن حنبل نقل می‌کند که زیارت قبور، افضل از ترک آن بوده و مستحب است هنگام زیارت قبور بگویند: «السلام علیکم اهل الدیار من المؤمنین و المسلمین...». وی بیان کرده که استحباب قرائت سوره یس نزد قبر والدین و دعا و استغفار برای آنها نیز از مستحبات است (ابن قدامه، بی‌تا، ج ۲: ۴۲۴).

نقد و بررسی ادله اقوال دیدگاه استحباب

بررسی روایات، بیانگر این مطلب است که طبق نظر برخی از فقها، زیارت قبرها نه تنها برای زنان جایز است، بلکه استحباب نیز دارد.

اختصاص استحباب زیارت، برای مردان است و برای زنان کراهت دارد؛ به دلیل حفظ پوشش آنها و اینکه زنان گریه و جزع و فزع دارند؛ اما اگر خود را از نامحرم بپوشانند، نه تنها کراهت ندارد، بلکه استحباب نیز دارد (آملی، ۱۳۸۰، ج ۶: ۶۷). وجود روایات در باب چگونگی زیارت قبور مؤمنان توسط مردان و زنان، بر استحباب زیارت دلالت دارد (محقق سبزواری، ۱۲۴۷، ج ۲: ۳۴۱؛ صیمری، ۱۴۱۷: ۳۱۳).

و جوب زیارت پیامبر(ص) بر هر حاجی واجب است و در صورتی که مردم زیارت پیامبر(ص) را ترک کنند، بر حاکم لازم است که مردم را به زیارت آن حضرت مجبور کند و ابن بابویه از حفص بن البختری و هشام بن سالم و معاویه بن عمار و بسیاری دیگر به این حکم استدلال کرده‌اند (محقق سبزواری، ۱۲۴۷، ج ۲: ۷۰۶).

روایت اول: «نَهَيْتُكُمْ عَنْ زِيَارَةِ الْقُبُورِ إِلَّا فَرُورُوهَا؛ رسول الله(ص) فرمود: شما را از زیارت قبور منع کرده بودم؛ پس زیارت کنید» (ابن حزم، بی تا، ج ۵: ۱۶۰).

نقد و بررسی استدلال به روایت: در روایت «نَهَيْتُكُمْ عَنْ زِيَارَةِ الْقُبُورِ إِلَّا فَرُورُوهَا» کلمه «فَرُورُوهَا» امر است و از آنجا که قرینه‌های گوناگون و اجماع فقها قائم است، بر عدم جوب زیارت قبور، این کلمه حمل بر استحباب می‌شود؛ لذا این روایت دلالت می‌کند بر استحباب زیارت قبور برای همه مؤمنان و تلاوت قرآن و دعا کردن برای آنان (ابن ابی‌جمهور، ۱۴۰۵، ج ۲: ۶۱). در همین روایت علت امر به زیارت قبور، یادآوری آخرت، یادآوری مرگ، پندآموزی و زهد در دنیا معرفی شده و همه این فواید، قرینه بر ظهور امر بعد از نهی در استحباب زیارت قبور است.

روایت دوم: «إِنَّ رَبَّكَ يَأْمُرُكَ أَنْ تَأْتِيَ أَهْلَ الْبَقِيعِ وَتَسْتَغْفِرَ لَهُمْ؛ پروردگار امر کرده است که به زیارت قبرستان بقیع بروید و برایشان دعا کنید» (پورامینی، ۱۴۲۸: ۲۹۷).

نقد و بررسی استدلال به روایت: در اینجا نیز سخن از امر خداوند به زیارت قبور بقیع مطرح شده است و باید حمل بر استحباب شود. پس از دوره نهی، پیامبر اکرم(ص) بسیار به زیارت قبور می‌رفتند. کثرت زیارت توسط پیامبر(ص) دال بر استحباب زیارت قبور است (همان: ۲۹۶).

روایت سوم: «مَنْ زَارَ قَبْرَ وَالِدِيهِ أَوْ أَحَدِهِمَا فِي كُلِّ جُمُعَةٍ غُفِرَ [اللَّهُ] لَهُ وَكَانَ بَارِعًا لِوَالِدِيهِ»؛ هر کسی که قبر پدر و مادرش یا یکی از آنها را در روز جمعه زیارت کند، خداوند گناهانش را آمرزیده، او را از نیکی‌کنندگان به پدر و مادر برخوردار شمرده (مناوی، ۱۴۱۵، ج ۲: ۶۰۵).

نقد و بررسی استدلال به روایت: در جایی دیگر فرموده‌اند: هر کسی که قبر پدر و

مادرش یا یکی از آنان را روز جمعه زیارت کند و سوره یس را در کنار قبر آنها قرائت کند، خداوند به عدد هر حرفی از این سوره، گناهانش را می‌آمرزد (سیوطی، ۱۹۹۳، ج ۵: ۲۵۷).

و نیز فرموده‌اند: هر کسی که قبر پدر و مادرش یا یکی از آنها را زیارت کند، ثواب حج را کسب کرده است و هر کسی که زیاد به زیارت آنها رود، ملایکه نیز در آینده قبر او را زیارت می‌کنند (متقی هندی، ۱۴۰۵، ج ۱۶: ۴۷۹).

هر چند این روایات به لحاظ سندی توسط بعضی علما مخدوش دانسته شده‌اند، قاعده تسامح در ادله سنن به ما کمک می‌کند که با استناد به این احادیث، زیارت قبور برای همه مسلمانان، اعم از مردان و زنان را مستحب بدانیم (النجدی، ۱۴۲۵: ۲۹).

از فواید زیارت قبور که سبب استحباب آن است اینکه موجب انس اموات با زیارت‌کننده می‌شود (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۳: ۲۲۲). در روایت دیگری نیز به همین مضمون آمده است: «قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (ع): زُورُوا مَوْتَانِكُمْ فَإِنَّهُمُ يَفْرَحُونَ بِزِيَارَتِكُمْ وَ لِيُطْلَبَ أَحَدُكُمْ حَاجَتَهُ عِنْدَ قَبْرِ أَبِيهِ وَ عِنْدَ قَبْرِ أُمِّهِ بِمَا يَدْعُو لَهُمَا؛ اموات خود را زیارت کنید چرا که با زیارت شما خشنود می‌شوند. و حاجت خود را نزد قبر پدر و مادرتان بخواهید» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۳: ۲۲۹).

بنابراین، نتیجه می‌گیریم که زیارت قبور برای زنان نه تنها حرام نیست، بلکه کراهت ندارد و مستحب هم هست.

شربینی و البانی از کسانی هستند که صراحتاً تفاوتی میان مرد و زن در استحباب زیارت قبور نگذاشته‌اند (شربلانی، بی‌تا، ج ۱: ۲۳۳).

نتیجه‌گیری

بسیاری از فقهای اهل سنت زیارت قبور توسط زنان را جایز و حتی مستحب می‌دانند. حتی جمهور حنابله نیز قول به جواز زیارت قبور توسط زنان داده‌اند. از ادله فقهای اهل سنت، مطلق بودن آیات قرآن، سیره عایشه، همسر پیامبر (ص) و حضرت زهرا (س)، دختر پیامبر (ص) است. این عمل ایشان در زمان حیات پیامبر (ص) صورت می‌گرفت و هیچ‌گونه

منعی از جانب پیامبر(ص) نشد و بعد از رحلت ایشان نیز از سوی امام علی(ع) و سایر صحابه منعی نسبت به این عمل وارد نشده است. از ادله دیگر، روایاتی هستند که روایت «لعن الله زوارات القبور» را پاسخ داده‌اند و آن را منسوخ می‌دانند. ریشه‌های تاریخی زیارت، مبین این است که زیارت قبور برای زنان از ابداعات شیعه نیست، بلکه این مسئله در سنت مردم مسلمان ریشه دارد و از همان روزهای نخست و سده‌های پیشین، زنان مسلمان به زیارت قبرهایی می‌رفتند و آنها را اکرام می‌کردند.

منابع

- قرآن

۱. ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین (۱۴۰۵هـ). *عوالی اللثالی العزیزیه فی الأحادیث الادیبیه*، قم: بی‌نا.
۲. ابن ادريس حلی، محمد بن احمد (بی‌تا). *السرائر الحاوی لتحرير الفتاوی*، تهران: مشعر.
۳. ابن باز، عبدالعزیز بن عبدالله (بی‌تا). *مجموع فتاوی ابن باز*، ۳۰ جزء، محقق: محمد بن سعد الشویعر، بی‌جا: بی‌نا.
۴. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی (بی‌تا). *فتح الباری شرح الصحیح البخاری*، بیروت: مکتبه العصریه.
۵. ابن عابدین، محمد امین (۱۴۱۲هـ). *ردّ المحتار علی الدرالمختار*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۶. ابن قدامه، عبدالله (بی‌تا). *المغنی و الشرح الكبير*، بی‌جا: بی‌نا.
۷. ابن ماجه، محمد بن یزید القزوينی (۱۳۹۵). *سنن ابن ماجه*، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
۸. ابن نجیم، زین الدین (بی‌تا). *البحر الرائق شرح کنز الدقائق*، بیروت: دارالمعرفه.
۹. اردبیلی، احمد بن محمد (۱۴۰۳هـ). *مجمع الفائدة و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان*، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۰. البانی، محمد ناصر (۱۴۰۶هـ). *أحكام الجنائز*، بی‌جا: المکتب الإسلامی.
۱۱. آلوسی، سید محمود (۱۴۱۵هـ). *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۱۲. امام خمینی، سید روح الله (۱۳۸۰). *العروة الوثقی مع تعالیق الإمام الخمينی*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۱۳. آملی، میرزا محمد تقی (۱۳۸۰هـ). *مصباح الهدی فی شرح العروة الوثقی*، تهران: مؤلف.

١٤. امينى، عبدالحسين (١٤١٦هـ). *الغدير فى الكتاب و السنه و الادب*، قم: مركز الغدير للدراسات الاسلاميه.
١٥. الامين، السيد محسن (بى تا). *كشف الازتياب فى اتباع محمد بن عبد الوهاب*، بى جا: مؤسسه دارالكتاب الاسلامى.
١٦. بحراني اصفهاني، عبدالله بن نورالله (١٤١٣هـ). *عوامل العلوم و المعارف و الاحوال من الآيات و الاخبار و الأقوال* (مستدرک سيدة النساء إلى الإمام الجواد) قم: بى نا.
١٧. بحراني آل عصفور، يوسف بن احمد بن ابراهيم (١٤٠٥هـ). *الحدائق الناضرة فى أحكام العترة الطاهرة*، قم: دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم.
١٨. بخارى جعفى، محمد بن اسماعيل (١٤٢٤هـ). *صحيح بخارى*، تحقيق: رضوان جامع رضوان، قاهره: مؤسسه المختار.
١٩. بيضاوى، عبدالله بن عمر (١٤١٨هـ). *أنوار التنزيل و أسرار التأويل*، محمد عبدالرحمن المرعشلى، بيروت: دارالاحياء التراث العربى.
٢٠. بيهقى، احمد بن حسين (بى تا). *سنن البيهقى الكبرى*، تحقيق: محمد عبدالقادر عطاء، مکه: مكتبة دارالباز.
٢١. پورامينى، الشيخ محمد امين (١٤٢٨هـ). *تبع العرق فى دراسة شاملة*، تهران: نشر مشعر.
٢٢. ترمذى، محمد بن عيسى (١٤٠٣هـ). *سنن الترمذى*، بيروت: دارالاحياء التراث العربى.
٢٣. تيمى، احمد بن على بن المثنى ابويعلى و صلى (١٤٠٤هـ). *مسند أبى يعلى*، دمشق: دارالمأمون للتراث.
٢٤. جصاص، احمد بن على (١٤٠٥هـ). *احكام القرآن*، صادق قمحاوى، بيروت: دارالاحياء التراث العربى.
٢٥. جوادى آملی، عبدالله (١٣٩٣). *تفسير تسنيم*، قم: اسراء.
٢٦. حاكم نيسابورى، محمد بن عبدالله (١٤١١هـ). *المستدرک على الصحيحين*، تحقيق: مصطفى عبدالقادر عطاء، بيروت: دارالكتب العلميه.
٢٧. حر عاملى، محمد بن حسن (١٤٠٩هـ). *وسائل الشيعة*، قم: مؤسسه آل البيت (ع).

۲۸. حسینی جرجانی، سید امیر ابوالفتوح (۱۴۰۴هـ). آیات الأحكام، میرزا ولی الله اشراقی سرابی، تهران: انتشارات نوید.
۲۹. حسینی همدانی، سید محمد (۱۴۰۴هـ). انوار درخشان، تهران: کتابفروشی لطفی.
۳۰. خرشی، محمد (۱۳۱۸هـ). الشرح الكبير على مختصر سيدى خليل، قاهره: بی‌نا.
۳۱. خویی، ابوالقاسم (بی‌تا). التنقيح فى شرح العروة الوثقى، قم: نشر لطفی.
۳۲. داورپناه، ابوالفضل (۱۳۶۶). انوار العرفان فى تفسير القرآن، تهران: کتابخانه صدر.
۳۳. دمیاطی، بکری (۱۴۱۸هـ). حاشیة اعانة الطالبین، بیروت: دارالفکر.
۳۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲هـ). المفردات فى غریب القرآن، بیروت: دارالعلم.
۳۵. رافعی، عبدالکریم (بی‌تا). فتح العزیز، بیروت: دارالفکر.
۳۶. رضوانی، علی اصغر (۱۳۹۰). سلسله مباحث وهاجیت‌شناسی - وهاجیت و مسئله قبور، تهران: مشعر.
۳۷. رضوانی، علی اصغر (بی‌تا). سلسله مباحث وهاجیت‌شناسی - وهاجیت و شفاعت، تهران: مشعر.
۳۸. سبجانی، جعفر (۱۳۸۸). آیین وهاجیت، تهران: مشعر.
۳۹. سبزواری، عبدالاعلی (۱۴۱۳هـ). مهذب الاحکام (للسبزواری)، قم: دار التفسیر.
۴۰. سبکی، تقی‌الدین (۱۴۱۹هـ). شفاء السقام فى زیارة خیر الانام، تحقیق: سید محمد رضا حسینی جلالی، بی‌جا: بی‌نا.
۴۱. سرخسی، ابی سهل (بی‌تا). المبسوط، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۴۲. سرخسی، شمس‌الدین (۱۴۲۱هـ). المبسوط للسرخسی، بیروت: دارالفکر.
۴۳. سید سابق (بی‌تا). فقه السنة، بیروت: دارالکتب العربی.
۴۴. سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن (۱۹۹۳). الدر المثلثور، بیروت: دارالفکر.
۴۵. شربینی، محمدبن احمد (۱۹۵۸). مغنی المحتاج، بیروت: انتشارات دارالاحیاء التراث العربی.

٤٦. شرنبلاني، حسن بن عمار (١٣١٥هـ). شرح نور الايضاح للعالم الجبر الفهامه، قاهره: الجامع الازهر بمصر.
٤٧. شرنبلاني، حسن بن عمار (بي تا). حاشيه عليمراقى الفلاح، شرح نور الايضاح، بيروت: دارالاحياء التراث العربي.
٤٨. شهرزوري، محمد بن محمود (١٣٥٦). نزهه الارواح و روضه الافراح (تاريخ الحكماء)، تهران: شركت انتشارات علمي و فرهنگي.
٤٩. شوكاني، محمد (١٤١٩هـ). نيل الأوطار من أحاديث سيد الأخيار شرح منتقى الأخبار، بي جا: إدارة الطباعة المنيرية.
٥٠. الشيخ نظام و جماعه من علماء الهند (١٤١١هـ). الفتاوى الهندية في مذهب الإمام الأعظم أبي حنيفة النعمان، بيروت: دارالفكر.
٥١. صنعاني، عبدالرزاق بن همام (١٤٠٣هـ). مصنف عبدالرزاق، تحقيق: حبيب الرحمن اعظمي، بيروت: المكتب الاسلامي.
٥٢. صيمري، مفلح بن حسن (حسين) (١٤١٧هـ). كشف الالتباس عن موجز أبي العباس، قم: مؤسسه صاحب الأمر (ع).
٥٣. طاهري الخرم آبادي، سيد حسن (١٤٢٩هـ). زياره القبور سنه ام بدعه، تهران: المجمع العالي للتقريب بين المذاهب الاسلاميه.
٥٤. طاهري خرم آبادي، سيد حسن (١٣٩٢). توحيد و زيارت، قم: بوستان كتاب.
٥٥. طباطبائي يزدي، سيد كاظم (١٤١٩هـ). العروة الوثقى (المحشى)، قم: دفتر تبليغات اسلامي.
٥٦. طباطبائي، سيد محمد حسين (١٤١٧هـ). الميزان في تفسير القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامي وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم.
٥٧. الطبرسي، الفضل بن حسن (بي تا). مجمع البيان في تفسير القرآن، بيروت: دارالمعرفه.
٥٨. طحاوي، احمد (١٣١٨هـ). حاشية على مراقى الفلاح شرح نور الايضاح، مصر: المطبعة الكبرى الأميرية ببولاق.

۵۹. طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵). مجمع البحرین، تهران: کتابفروشی مرتضوی.
۶۰. طهماز، عبدالحمید محمود (۱۴۱۹هـ). الفقه الحنفی فی ثوبه الجدید، دمشق/ بیروت: دارالقلم/ دارالشامیه.
۶۱. علامه حلی، حسن (بی تا). نهایت الاحکام فی معرفه الاحکام، قم: اسماعیلیان.
۶۲. علامه مجلسی دوم، محمد باقر (۱۴۰۶هـ). ملاذ الأخیار فی فهم تهذیب الأخیار، قم: انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
۶۳. علامه مجلسی دوم، محمد باقر (بی تا). بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، تهران: اسلامیه.
۶۴. عمادالدین، علی (۱۴۰۵هـ). کنز اعلم للمتنقی الهندی، بیروت: مؤسسه الرساله.
۶۵. العینی الحنف، محمودبن احمد (بی تا). عمدہ القاری فی شرح صحیح البخاری: طبع المصر.
۶۶. غزالی، محمد (۱۴۱۹هـ). احیاء علوم الدین، بیروت: شرکة دارالارقم بن ابی الارقم.
۶۷. فاضل مقداد، مقدادبن عبدالله سید محمد قاضی (۱۴۱۹هـ). کنز العرفان فی فقه القرآن، تهران: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.
۶۸. فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی (بی تا). مفاتیح الشرائع، قم: انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
۶۹. القسطلانی، ابوالعباس احمدبن محمد (۱۴۲۵هـ). ارشاد الساری لشرح الصحیح البخاری، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
۷۰. قشیری نيسابوری، مسلم بن حجاج (بی تا). صحیح مسلم، تحقیق: محمد فؤاد عبدالباقی، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
۷۱. کاشانی حنفی، ابوبکر (۱۴۰۶هـ). بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۷۲. کلینی، ابوجعفر محمدبن یعقوب (۱۴۰۷هـ). الکافی (ط-الإسلامیه)، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۷۳. گلپایگانی، محمد رضا (۱۴۱۷هـ). مجمع المسائل، قم: دفتر آیت الله حاج شیخ حسین ایوبی.

۷۴. ماوردى، ابوالحسن (۱۴۱۴هـ). *الحاوى الكبير فى فقه مذهب الإمام الشافعى*، بيروت: دارالكتب العلميه.
۷۵. محقق سبزوارى، محمد باقر بن محمد مؤمن (۱۲۴۷هـ). *مؤسسه ذخيره المعاد فى شرح الإرشاد، قم: مؤسسه آل البيت(ع)*.
۷۶. مظهرى، محمد ثناء الله (۱۴۱۲هـ). *التفسير المظهرى*، باكستان: مكتبة رشديه.
۷۷. مكارم شيرازى، ناصر (۱۳۷۹). *تفسير نمونه*، تهران: دارالكتب اسلاميه.
۷۸. مناوى، محمد عبدالرئوف (۱۴۱۵هـ). *فيض القدير شرح الجامع الصغير من أحاديث البشير النذير*، بيروت: دارالكتب العلميه.
۷۹. ملاخسرو، محمد بن فرامرز بن على (بى تا). *دررالحكام شرح غررالأحكام*، بيروت: دارالاحياء الكتب العربيه.
۸۰. ميرزای قمى، ابوالقاسم (۱۳۷۸). *غنائم الأيام فى مسائل الحلال و الحرام*، قم: مكتب الاعلام الاسلامى.
۸۱. ناصف، منصورعلى (بى تا). *التاج الجامع للأصول فى أحاديث الرسول*، بيروت: دارالجيل.
۸۲. النجدى، محمد محمود (۱۴۲۵هـ). *زياره القبور عند المسلمين*، كويت: غراس.
۸۳. نجفى، محمد حسن (۱۴۰۴هـ). *جواهر الكلام فى شرح شرائع الإسلام*، بيروت: دارالاحياء التراث العربى.
۸۴. نووى، يحيى بن شرف (بى تا). *المجموع*، بيروت: دارالفكر.
۸۵. نووى، يحيى بن شرف (۱۴۰۵هـ). *روضة الطالبين و عمدة المفتين*، بيروت: المكتب الاسلامى.
۸۶. هيثمى، نورالدين على (۱۴۱۲هـ). *مجمع الزوائد و منبع الفوائد*، بيروت: دارالفكر.
۸۷. واقدى، محمد بن عمر (بى تا). *المغازى*، بيروت: اعلمى.
۸۸. يحيى بن سعيد (۱۴۰۵هـ). *الجامع الشرائع*، قم: مؤسسه سيدالشهداء.